کارگران همهٔ کشورها متحد شوید!

نامهٔ مردم

ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

دورهٔ هشتم - سال اول - شمارهٔ ۱
پنجشنبه ۱۷ خرداد ۱۳۶۲
بهاء ۲۰ ریال

اعلامیهٔ کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران

مردم ایران خواهان پایان دادن به جنگ خانمان برانداز ایران و عراق اند

مردم میهن ما قربانی جنگ خانمان براندازی هستند، که دولتمردان ج.ا. با سماجت بدان ادامه میدهند. نه شمار سرسام آور کشته ها و مجروحین و معلولین، که به صدها هزار نفر بالغ می‌شود و نسل جوان ایران را تهدید می‌کند، نه وجود دو میلیون نفر آوارهٔ جنگی، نه اختصاص صدها میلیارد ریال از بودجهٔ کشور برای خرید تجهیزات نظامی، که سود آن به گاوصندوقهای سوداگران مرگ، انحصارهای اسلحه سازی غرب سرازیر می‌شود، مانع از آن نیست، تا حکام جمهوری اسلامی همچنان جنگ را یک وظیفه شرعی اعلام نکنند.

ادامه جنگ که کوهی از مصائب، فلاکت ها و ویرانی ها به بار آورده، سیاست ترور و اختناق را در کشور تشدید می‌بخشد. هزینه های عظیم نظامی از سوئی و جذب بخش قابل توجهی از نیروی فعال جامعه به ارتش و سپاه و بسیج و غیره از سوی دیگر، ضربات مهلکی بر پیکر اقتصاد کشور وارد می‌آورد. صنایع با ۴۰ تا ۵۰ درصد ظرفیت کار می‌کنند. تعداد بیکاران روز به روز افزایش می‌یابد. تولید کشاورزی در آستانهٔ

بقیه در صفحه ۲

سخنی با خوانندگان

"نامه مردم" دورهٔ هشتم خود را در شرایطی آغاز می‌کند، که آزادی بیان و قلم، اجتماعات و احزاب، سندیکا ها و اتحادیه های صنفی و غیره لگدمال شده، زندان و شکنجه و اعدام و قتل میهن دوستان و مدافعان توده های محروم، که طی سالیان دراز ستم شاهی بار سنگین مبارزه علیه استبداد و ارتجاع و امپریالیسم را بدوش می‌کشیدند، بسطح سیاست مستمر دولتی ارتقاء یافته است.

تاریخ "مردم" تاریخ مبارزه در راه دفاع از منافع طبقه کارگر و همه زحمتکشان ایران، تاریخ نبرد بی امان علیه استعمار و امپریالیسم، تاریخ رزم پی گیر در راه تشکل نیروهای ضد امپریالیستی و مبارزان استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی و صلح است.

از انتشار نخستین شماره های "مردم" حدود ۴۲ سال میگذرد. در این فاصله زمانی "مردم" فراز و نشیب های فراوانی را پشت سر گذارده است. در سالهای نخست انتشار "مردم" بمثابه زبان حق‌گوی مبارزان ضد فاشیست نقش مهم روشنگری را در جامعه ایفاء کرد. سپس "مردم" ارگان مرکزی حزب توده ایران شد و وظیفه بسیار سنگین سیاسی - سازمانی را بعهده گرفت.

متأسفانه دوره انتشار "مردم" در شرایط علنی کوتاه بود. رژیم ضد ملی و ضد دمکراتیک شاه، که زمینه را برای تبدیل ایران به جولانگاه امپریالیسم آمریکا تهیه میدید با زدن برچسب های ساخته "جاسوسی"، "خرابکاری" و "قیام علیه سلطنت" حزب ما را "منحله" اعلام و از انتشار علنی "مردم" جلوگیری کرد. ولی "مردم" از مردم جدا نشد و در سخت‌ترین شرایط ترور و اختناق به افشاء امپریالیسم و عمال آن و تقویت جبهه ضد امپریالیستی و ضد استبدادی پرداخت. "مردم" مخفی شد، ولی علیرغم کوشش دشمنان هیچگاه از مردم پنهان نماند. "مردم" دوره ششم در نبرد در راه منافع طبقه کارگر با پیگیری و استواری در سنگر ایدئولوژیک اصیل مارکسیستی - لنینیستی ایستاد و با انواع

بقیه در صفحه ۲

جبههٔ متحد خلق، ضرورت مبرم جنبش انقلابی ایران

جامعه انقلابی ایران یکی از حساس‌ترین پیچیده‌ترین و دشوارترین مراحل تاریخی خود را از سر میگذراند. احیاء مواضع بزرگ مالکان و کلان سرمایه داران وابسته به امپریالیسم، فقر و تنگدستی و تیره روزی زحمتکشان، تشدید ستم و اجحاف اجتماعی، چپاول و غارت بی‌بند و بار استثمارگران داخلی و تاراج انحصارات امپریالیستی، انحطاط فرهنگی، لگدمال ساختن تمام مظاهر آزادیهای سیاسی، ایجاد جو رعب و وحشت، دستگیری، زندان، شکنجه و نابودی دگراندیشان و سایر نیروهای انقلابی و ادامه جنگ خانمانسوز، منظره رقت بار و تأسف انگیز کشور در مرحله کنونی است که بازتاب خیانت سران مرتجع جمهوری اسلامی به اهداف انقلاب شکوهمند مردمی و ضد امپریالیستی ۲۲ بهمن می‌باشد.

امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم جنایتکار آمریکا تمام تلاش بهیمی خود را بکار بسته تا بکمک همدستان داخلی و محافل ارتجاعی حاکمیت جمهوری اسلامی روند بازگرداندن ایران به وابستگی کامل اقتصادی اجتماعی، سیاسی، نظامی و فرهنگی را بپایان برساند و دیگر بار همچون دهه‌های سیاه گذشته حاکمیت مطلق سرمایه‌داران و زمینداران چپاولگر وابسته به امپریالیسم را بر سرنوشت زحمتکشان زجر دیده و بلاکشیده میهن ما برقرار ساخته و ایران را به حلقه‌ای از زنجیر سیاست عمومی و جهانی امپریالیسم بدل سازد.

تلاش و توطئه امپریالیسم، طبقات استثمارگر و سران مرتجع حاکمیت جمهوری اسلامی برای شکست انقلاب و خاموش ساختن مبارزات توده های میلیونی مردم، تنها یک جنبه از رویدادهای جامعه ما است. جانب دیگر موضوع، مقاومت توده‌های میلیونی ایران برای جلوگیری از تسلط دوباره طبقات استثمارگر و امپریالیسم بر سرنوشت کشور است. خلق ایران در جریان تجارب متعدد زنده و ملموس، چهره کریه و سرشت پلید دشمنان داخلی و خارجی خود را شناخته و اجازه برقراری تسلط اهریمنی مرتجعین، استثمارگران داخلی و حامیان بین‌المللی آنها را نخواهد داد.

فرجام و سرنوشت نبرد طبقاتی که اکنون در کشور ما جریان دارد مشروط به عوامل متعددی است که یکی از مهمترین آنها وحدت سازمانها گروهها و نیروهای ملی، مترقی، دمکراتیک و ضد امپریالیستی است. مبارزه توده‌های میلیونی علیه ارتجاع داخلی و امپریالیسم تنها در صورتی با موفقیت همراه خواهد بود که نیروهای سیاسی و سازمانهای انقلابی امر وحدت و یکپارچگی صفوف خلق را تأمین و با برنامه و وحدت عمل مشترک وظیفه و رسالت خطیر تشکل توده‌ها و رهبری جنبش را با موفقیت به انجام رسانند. در صورتیکه احزاب، سازمانها و نیروهای انقلابی دمکراتیک و ضد امپریالیستی موفق به یافتن زبان مشترک و هدایت درست، اصولی و منطقی مبارزه توده‌ها نشوند تردیدی نیست که سران مرتجع حاکمیت جمهوری اسلامی، سرمایه‌داران و امپر-

بقیه در صفحه ۵

ریشه و جنگل

من، شاخه ای ز جنگل خلقم.

از ضربهٔ تبر
بر پیکر سلاله من یادگارها است.

با من مگو سخن ز شکستن!
هرگز شکستگی به بر ما شگفت نیست
بر ما، عجب، شکفتگی اندر بهارها است.

صد بار اگر به خاک کشندم
صد بار اگر که استخوان شکنندم
گاه نیاز باز
آن هیمه ام که شعله برانگیزد
آن ریشه ام که جنگل از آن خیزد.

سیاوش کسرائی
آبانماه ۱۳۶۲

پایدار باد همبستگی جهانی با زندانیان توده‌ای!

سخنی با ...

انحراف ها و کج اندیشی ها مقابله کرد.

شماره اول دوره هشتم "نامه مردم" ۲۲ اسفند ماه ۱۳۵۷ پس از پیروزی انقلاب شکوهمند مردم ایران انتشار یافت. در نخستین سر مقاله دوره علنی "نامه مردم" گفته شد: "مردم" ارگان مرکزی حزب توده ایران است. دوست و دشمن دقیقاً میدانند که مشی سیاسی این روزنامه چیست ولذا نیازی به معرفی مفصل برنامه و روش خود نداریم. حزب ما حزب طبقه کارگر ایران است و "مردم" وظیفه دارد که در راه دفاع از حقوق طبقه کارگر و همه توده های ستمکش جامعه، در راه بیداری و سازماندهی و بسیج نیروی زحمتکشان علیه امپریالیسم و ارتجاع و ایجاد جامعه ای عادلانه برزمد. ما مبارزه برای حقوق زحمتکشان را تنها و تنها در چارچوب مبارزات ضد امپریالیستی و دمکراتیک می بینیم و لذا در شرایط نوین سمت اصلی حرکت ما تلاش برای ایجاد و تحکیم اتحاد نیروهای ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی است. ما میدانیم که در این راه دشوارهای فراوانی وجود دارد ...".

آری، ما دشواریها را درک میکردیم و می دانستیم که دشمنان سوگند خورده زحمتکشان از پای نخواهند نشست و به انواع توطئه ها علیه اتحاد نیروهای ضد امپریالیستی و ارتجاعی، علیه حزب ما و ارگان مرکزیش دست خواهند زد. ما از کین حیوانی ارتجاع و عمال امپریالیسم به حزب توده ایران باخبر بودیم و میدانستیم که "سیا" و "اینتلیجنس سرویس" مانند گذشته به کمک عوامل محلی خود دوباره به شیوه های سخیف و مطرود برچسب زنی متوسل خواهند شد.

تصادفی نیست که دوره انتشار علنی "نامه مردم" این بار نیز بطول نینجامید. سرکوبگران رژیم ج.ا. نخست "نامه مردم" را توقیف و سپس انتشار آنرا ممنوع کردند. "نامه مردم" بدست آنانی ذبح شرعی شد، که از پخش حقایق مربوط به ایران و جهان بیم داشتند ومایل نبودند خائنین به انقلاب و آرمانهای والای آن به توده های زحمتکش شناسانده شوند.

انتشار "نامه مردم" را ممنوع کردند، زیرا با سابقترین نشریه زحمتکشان در تاریخ ایران، مقام ویژه ای در زندگی سیاسی کشور داشت و بحق اعتماد و علاقه های میلیونی محرومان جامعه را جلب کرده بود. "گناه" نابخشودنی "مردم" آن است که همیشه حقیقت را با مردم در میان میگذارد. بهمین سبب کارگنان "مردم" را روانه فراموشخانه ها میکنند، زیر شکنجه های وحشیانه بقتل میرسانند. ولی این بار هم قادر نخواهند بود "مردم" را از مردم جدا سازند.

"نامه مردم" با انتشار نخستین شماره از دوره هشتم خود پرچم خونین مبارزه را همچنان افراشته نگاه خواهد داشت. "نامه مردم" ارگان مرکزی حزب توده ایران دفاع از طبقه کارگر و همه محرومان جامعه و انعکاس خواستهای مترقی و مطالبات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی وفرهنگی آنان، نبرد پیگیر در راه استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی و اتحاد نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک، مبارزه با هر گونه ترور و اختناق و کوشش در راه تأمین آزادیهای دمکراتیک، پایان دادن به جنگ ایران و عراق، جنگ برادرکشی در کردستان و برسمیت شناختن حقوق ملی خلق ها، حمایت از کلیه مجاهدات و مساعی سازمان های مترقی اپوزیسیون، تحریک ایدئولوژیک وسیع به منظور عقیم ساختن تبلیغات سوء گروههای ضد توده ای و ضد کمونیستی، افشاء سیاست تزویر و زور امپریالیسم بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و توضیح سیاست صلح طلبانه کشورهای سوسیالیستی و پیشاپیش آنان اتحاد شوروی، نبرد در راه صلح و همزیستی مسالمت آمیز و بالاخره پشتیبانی همه جانبه از جنبش های رهائی بخش ملــی را وظیفه عمده خود در مرحله کنونی مبارزه می شمارد.

"نامه مردم" بعنوان ارگان مرکزی حزب، آئینه تمام نمای سیاست، موضع گیری ها، خط مشی ها، تصمیمات و اقدامات حزب توده ایران است. "مردم" با تمام قوا خواهد کوشید که در شرایط بسیار دشوار کنونی، برای تحقق سیاست اصولی حزب، که بر پایه جهان بینی انقلابی طبقه کارگر، یعنی مارکسیسم ـ لنینیسم استوار است و به انترناسیونالیسم پرولتری متکی است، بکوشد واز هرگونه تشتت ونوسان در ایدئولوژی وعمل جلوگیری کند.

بدیهی است که "نامه مردم" راهنما و هماهنگ تمام نشریاتی است که در داخل وخارج کشور، از طرف سازمانهای گوناگون حزبی منتشر میشوند و تبعیت کامل از خط مشی "مردم"، نه تنها وظیفه این نشریات است، بلکه برای روند بازسازی حزب، که در شرایط ترور و اختناق بی سابقه ای انجام میشود، یک امر حیاتی است. کمیته مرکزی حزب توده ایران اطمینان کامل دارد که این نکته مهم مورد توجه وعمل تمام اعضای حزب توده ایران در هرجا و هرمقام که هستند، قرار خواهد گرفت.

اعلامیهٔ کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران

ورشکستگی کامل قرار دارد. واردات محصولات کشاورزی سرسام آور رو به افزایش است. فقر گسترده میلیونها روستائی را به مهاجرت به شهرها مجبور می کند. نرخ تورم در سال گذشته به رقم ۴۰ درصد رسید.

سردمداران رژیم با طرح شعارهائی چون "جنگ، جنگ، تا پیروزی"، "جنگ عامل تغییر ساخت اقتصادی" ویا "تنور جنگ را باید گرم نگهداشت" ادامه جنگ را در گستره بیسابقه ای تبلیغ می کنند.

به جنگ ادامه میدهند تا معضلات عظیم اجتماعی واقتصادی، احتکار و گرانی، کمبود مایحتاج زندگی، بیداد زراندوزان و مولدین فقر و ثروت را سرپوش گذارند. ادامه جنگ را تبلیغ میکنند تا احزاب و سازمانهای انقلابی و ضد امپریالیستی، مدافعان راستین زحمتکشان را سرکوب وعرصه را برای یکه تازی ارتجاع و عمال امپریالیسم خالی کنند. و بالاخره تنور جنگ را گرم نگه میدارند تا زد و بند پشت پرده با امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا از انظار پنهان بماند.

تردیدی نیست که ادامه جنگ به نفع امپریالیسم و به ضرر هردو کشور همسایهٔ در حال جنگ است. جنگ بهانه های اضافی به امپریالیسم آمریکا برای تقویت موضع خود در منطقه میدهد. نباید از نظر دور داشت، که استراتژی فشار نظامی ــ سیاسی امپریالیسم امروز نیز مانند گذشته وسیله ای برای تأثیر در روند تکامل اجتماعی ــ اقتصادی و سیاسی کشورهای منطقه بشمار میرود.

هدف امپریالیسم از شعله ور ساختن آتش جنگ ایجاد کانونهای تشنج و درگیری در منطقه بقصد تشدید اختلاف میان خلقهای خاور میانه و نزدیک است، که علیه سیادت امپریالیسم مبارزه میکنند. هدف استتار پی آمدهای مخرب تجاوز اسرائیل به لبنان، تهدید استقلال سوریه و انحراف اذهان عمومی در ایران و عراق از دشمن مشترک، امپریالیسم و صهیونیسم است.

تمرکز ناوگان هفتم آمریکا و ناوگان جنگی انگلستان و فرانسه در اقیانوس هند و دهانه تنگه هرمز واعلام خلیج فارس بعنوان منطقه "منافع حیاتی" ایالات متحده وکوشش برای جلب کشورهای عربی خلیج فارس به "فرماندهی مرکزی"، که بیش از ۱۹ کشور را تحت پوشش نیروهای "اقدام سریع" قرار میدهد، میهن ما را با خطر جدی مواجه ساخته است. با حملات موشکی به نفتکش ها، که رسانه های گروهی غرب سر و صدای زیادی پیرامون آن براه انداخته اند امکان چرخش جدیدی در جنگ ایران و عراق بوجود آمده، که واشنگتن خواهان آن است. توسعه جنگ، حضور نظامی فعالتر امپریالیسم آمریکا، این دشمن اصلی خلقهای تحت ستم را در این منطقه مهم استراتژیک و نفت خیز فراهم می آورد.

به نوشته مطبوعات غرب، سناریوی دخالت نظامی ایالات متحده در خلیج فارس به بهانه دعوت کشورهای منطقه از مدتها پیش آماده شده است. رونالد ریگان در مصاحبه مطبوعاتی اخیر خود به وجود نقشه عملیات فوق العاده اعتراف کرد وگفت، که ایالات متحده در قبال بسته شدن تنگه هرمز و یا تهدید کشتیرانی در خلیج فارس ساکت نخواهد نشست.

تشدید جنگ و توسعه دامنه آن به یکسری کشورهای منطقه با استراتژی واشنگتن برای تبدیل خاورمیانه به عرصه اجرای طرحهای تجاوزگرانه علیه صلح و امنیت جهانی و نهضت های رهائی بخش ملی انطباق کامل دارد.

بقیه در صفحه ۵

مبارزه برای حفظ صلح و امنیت بین المللی و دفع خطر فاجعه جنگ هسته‌ای مهمترین وظیفه همه بشردوستان در شرایط کنونی است

امپریالیسم آمریکا آشکارا گام در راه تدارک پیشدستی در کاربرد سلاحهای هسته‌ای گذاشته است و در عین حال میکوشد از راه کسب برتری نظامی علیه اتحاد شوروی، دست به شانتاژ نظامی بزند و امتیازات یکجانبه‌ای کسب کند.

البته آنچه که امپریالیسم آمریکا در وحلهٔ اول آنرا تحقق پذیرتر می بیند برقرار کردن سلطهٔ مطلق استعماری خود در کشورهای "جهان سوم" و تبدیل آنها به مستعمره و نیمه مستعمره از طریق فشارهای نظامی و ایجاد وابستگیهای اقتصادی و سیاسی است. ولی تحقق اینکار تا وقتی که این کشورها میتوانند به جامعهٔ کشور-های سوسیالیستی و پیشاپیش آنها اتحاد شوروی تکیه داشته باشند امکان پذیر نیست. از این-روست که هجوم همه جانبهٔ امپریالیسم آمریکا در سراسر جهان علیه جنبش های رهائی بخش ملی و کشورهای مستقل با اعلام جنگ صلیبی و تدارک جنگ هسته‌ای علیه اتحاد شوروی، و دیگر کشور-های سوسیالیستی بموازات هم انجام میگیرد.

شایان توجه است که امپریالیسم آمریکا این بار هم برای توجیه سیاست نظامیگرایانه خود متوسل به افسانهٔ "خطر شوروی" شده است. ولی این افسانهٔ کهنه شده دیگر قادر به فریب هیچکس نیست، زیرا از یکسو مردم همهٔ کشورها میدانند که اتحاد شوروی هیچگاه به هیچ کشوری تجاوز نکرده و نمونه‌ای وجود ندارد که امنیت همسایگان خود را هرچند هم که سیاست دشمنانه نسبت به او داشته‌اند بخطر انداخته و یا بروی کشوری که به اتحاد شوروی تجاوز نکرده است شمشیر کشیده باشد. و از سوی دیگر امپریالیسم آمریکا درست عکس آنرا نشان داده است. اگر تجاوزهای نظامی ایالات متحدهٔ آمریکا را به کشورهای همسایه و غیره همسایهٔ خود در گذشته نه چندان دور کنار بگذاریم و رویدادهای چند سال اخیر را در نظر بگیریم بازهم دلایل کافی برای اثبات مدعا بدست می‌آید.

تجاوز بیشرمانه و تحریک نشده و بی دلیل به جزیرهٔ کوچک گرنادا و لگدمال کردن آزادی و استقلال مردم این کشور شاید روشنترین نمونه برای نشاندادن چهرهٔ واقعی سیاست تجاوزی کنونی دولت آمریکا باشد. ولی کدام نقطهٔ دنیا را میتوان یافت که امپریالیسم آمریکا آنرا منطقهٔ "منافع حیاتی" خود اعلام نکرده و علیه خلقهای ساکن آن به توطئه و تجاوز مشغول نباشد؟

در آمریکای مرکزی شاید تحریکات روزافزون علیه کوبا و جنگ اعلام نشده علیه نیکاراگوئه و جنبش مترقی استقلال طلبانه مردم السالوادور هستیم. در خاورمیانه و نزدیک جنایات امپر-یالیسم آمریکا علیه خلق لبنان، خلق عرب فلسطین و دیگر خلقهای عرب با کمک متحد "استراتژیکش" اسرائیل همچنان ادامه دارد. در جنوب آفریقا رژیم نژادپرست پرتوریا باشاره و پشتیبانی امپریالیسم بین المللی علیه کشورهای همسایه خود دست به ترور و تجاوزات خونین میزند و از شناسائی استقلال نامیبیا، کشوری که بطور غیر قانونی اشغال کرده است ببهانه های گوناگون طفره میرود. از خاک پاکستان، جنگ اعلام نشدهٔ آمریکا علیه افغانستان و توطئه‌های مسلمانه علیه هندوستان سازمان داده میشود. باندهای "پل پت"، این جلاد مردم کامبوجیا، در تایلند که زیر حمایت امپریالیسم آمریکاست تجهیز و برای انجام اعمال تروریستی به سرزمین کامبوجیا اعزام میشوند.

آخرین نمونهٔ بی اعتنائی امپریالیسم آمریکا را به استقلال و حق حاکمیت دیگر کشورها در خلیج فارس مشاهده می‌کنیم که ببهانهٔ "حفظ آزادی کشتیرانی" که البته خود در مورد نیکاراگوئه ثابت کرد پایبند آن نیست، خلیج فارس را بصورت حوضچه‌ای در داخل خاک خود درآورده است.

در آن نقاط درگیر جنگ هم که بظاهر امپریالیسم آمریکا دخالت مستقیم نظامی ندارد، اینکار را توسط متحدان ناتوئی و یا دولتهای دست نشاندهٔ خود انجام میدهد. نمونه‌های چاد، صحرای غربی وغیره نقاطی است که در همهٔ آنها انگشت امپریالیسم آمریکا را در حوادث میتوان دید.

ولی همانطور که گفته شد، عمده تدارک امپریالیسم آمریکا علیه اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی است که با سیاست انترناسیونالیستی خود مانع از تحقق نقشه‌های شوم استعماری امپریالیسم علیه کشورهای مستقل و جنبش های رهائی بخش ملی میشوند. گسترش بیسابقه جنون تسلیحاتی در ایالات متحدهٔ آمریکا استقرار موشک های کروز وپرشینگ - ۲ در اروپای غربی، تولید هرچه بیشتر موشک‌های استراتژیکی ام - اکس، برداشتن گامهای شتابان در راستای استقرار جنگ افزارهای هسته‌ای و هسته‌ای و همچنین ایجاد سیستم های دفاع ضد موشکی در فضای کیهانی و بالاخره برنامه‌های مربوط به مدرنیزه کردن وسیع جنگ افزارهای غیر هسته‌ای در کشورهای عضو ناتو و ژاپن همه و همه باهدف زیر فشار گذاشتن کشورهای سوسیالیستی و باز گرداندن چرخ تاریخ به دوران سلطهٔ بی رقیب استعمار و امپریالیسم در سراسر جهان انجام میگیرد.

امّا سیاست جنگ افروزانه و تهدید و شانتاژ علیه کشورهای سوسیالیستی و کشورهای مستقل و خلقهای آزادی دوست در عین حال نشان میدهد که امپریالیسم پی برده است که در شرایط صلح و زندگی مسالمت آمیز بین المللی دیگر قادر به حفظ منافع غارتگرانهٔ خود نیست و میخواهد با جنگ افروزی و پیشدستی در کاربرد جنگ افزار-های هسته‌ای برای مدتی دیگر ادامهٔ حسیات نظام میرندهٔ سرمایه‌داری را میسر کند.

بدین ترتیب مبارزه در راه صلح و دفع خطر فاجعهٔ جنگ هسته‌ای اینک اهمیت مضاعفی کسب میکند: هم حفظ جامعه و تمدن انسانی و شاید سیاره زمین از خطر نابودی تمام موجودات زنده و هم تضعیف بیش از پیش امپریالیسم و تضمین آزادی و استقلال خلقها و پیشرفت اجتماعی.

امپریالیسم نشان داده است که در شرایط صلح و آرامش بین المللی تار و پود نظامش از هم گسیخته میشود.

امپریالیسم آمریکا برای پیشبرد سیاست جنگ افروزانهٔ خود و جنگ اندازی به نقاط مختلف جهان نیاز به کانونهای جنگ و تشنج دارد. اگر این کانونها وجود داشته باشد از آنها استفاده میکند و گرنه خود آنها را می‌آفریند. برای هجوم جنایتکارانهٔ اسرائیل به خاک لبنان هیچ-گونه توجیه منطقی وجود نداشت ولی اسرائیل این تجاوز وحشیانه‌را به اشاره ارباب انجام داد تا پای "متحد استراتژیکی" خود را بعنوان "نگهبان صلح" به لبنان باز کند. و اینک در خلیج فارس هم انواع تحریکات انجام میگیرد تا جای پای نیرو-های مسلح آمریکائی در منطقه هرچه محکمتر شود.

مردم سراسر جهان و از جمله خلقهای ایران و عراق همه صلح میخواهند. صلح شرافتمندانه و عادلانه هیچگاه بزیان خلقها نیست. تنها امپریالیسم و رژیم های میرنده تاریخی هستند که ادامهٔ حیاتشان تنها در سایهٔ جنگ و خونریزی دائمی امکان پذیر است.

> "حزب توده ایران نخستین حزب سیاسی بود که با برنامه دقیق منطبق با شرایط اجتماعی - اقتصادی کشور و در راه دفاع از منافع کارگران، دهقانان و سایر زحمتکشان در عرصه سیاسی ظاهر شد. سربهای حزب توده ایران علیرغم ضربات سهمگینی که بر آن وارد گردیده در حد ایستادگی نظیر جهان بینی آن در دفاع پیگیر از منافع کارگران، دهقانان و دیگر زحمتکشان و در استواری مبارزه آن علیه سلطه-گری امپریالیسم بر میهن ماست."
>
> از اسناد پلنوم هیجدهم
>
> کمیته مرکزی حزب توده ایران

به جنگ خانمان سوز با عراق پایان دهید!

نقش طبقه کارگر در جنبش رهائی بخش

راه رشد اجتماعی-اقتصادی ایران و در پیوند با آن نقش طبقه کارگر یکی از مسائل مورد بحث در سالهای اخیر میباشد. در این مورد نظرات گوناگونی ارائه میشود. بطور عمده میتوان از دو جریان نام برد. نخست آنان که رشد سرمایه‌داری در ایران را منکرند ومعتقدند گویا جامعه ما هنوز در دوران "تولید ماقبل سرمایه‌داری" قرار دارد. گروه دیگر و از آن جمله حکام مرتجع ج.ا.ا. اصولاً منکر وجود طبقات در جامعه‌اند و عملاً تز ارتجاعی "همزیستی طبقاتی" را در کسوت احکام شرع و یا به اشکال دیگر تبلیغ می‌کنند. واما مبلغین هرد وجریان هدف واحدی را تعقیب میکنند، که عبارتست از نفی نقش طبقه کارگر در نهضت رهائی بخش و مآلاً طرد ضرورت وجودی حزب طبقه کارگر در کشور.

در اسناد و مدارك پلنوم هیجدهم کمیته مرکزی حزب توده ایران گفته میشود: "بــــا پیروزی انقلاب حل مسائل بس مهم و حیاتی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در دستور روز قرار گرفت. سیر انقلاب نشان داد که توده‌های میلیونی زحمتکشان فقط برای تغییر روبنای سیاسی مبارزه نکرده‌اند، بلکه خواستار دگرگونی بنیادی زیر بنا هم بودند."

حقایق تاریخی گویای آنستکه کارگران صنعتی ایران در پیشاپیش توده‌های میلیونی گام بر میداشتند و برغم دشمنان زحمتکشان، این طبقه کارگر بود، که با هشیاری وآگاهی و فداکاری بیسابقه در تاریخ معاصر ملل ستمدیده منطقه نقش تعیین کننده در پیروزی انقلاب ایفاکرد.

رویدادهای خونین ۱۷ شهریور ماه نشان داد، که رژیم با حمایت امپریالیسم در صدد بخون کشیدن نهضت است. توان اقشار روشنفکری و دانشگاهی و مساجد، با همه ازجان گذشتگی برای درهم شکستن سد ارتجاع کافی بنظر نمیرسید. در این شرایط عامل موثرتر برای مقابله قاطع با رژیم ضرورت داشت، چنین نیروئی فقط با شرکت فعال و گسترده طبقه کارگر میتوانست تامین گردد.

این طبقه کارگر ایران بود، که در سرنوشت سازترین لحظات نهضت، گام در عرصه نبرد گذارد و از سلاح شناخته شده پرولتاریا -اعتصـــاب همگانی- در رویاروئی با رژیم ضد ملی به مقیاس وسیع استفاده کرد. طبقه کارگر، بویژه پرولتاریای صنعتی بمثابه سرسخت ترین و پیگیرترین مبارز ضد سلطنت، ضد امپریالیسم و نواستعمار، هسته مرکزی نیروهای محرك جنبش انقلابی خلـــق را تشکیل داد.

نبرد کارگران ابتدا با اعتصابهای اقتصادی که از ۱۲ شهریور ۵۷ آغاز و تا اوائل آبانماه همانسال ادامه داشت، آغاز شد و توانســت اقتصاد دولت را فلج کند. در ماههای بعد کارگران اعتصابهای اقتصادی را به اعتصابهای سیاسی فرارویاندند و با اعتصاب تاریخی کارگران نفت، که بمعنای قطع شریان حیاتی رژیم بــود، عملاً امکان هرگونه مقاومت را از رژیم سلب کردند. دو روز پس از کشتار ۱۷ شهریور، یعنـــی ۱۹ شهریورماه ۱۳۵۷ اعتصاب کارگران پالایشگـــاه نفت آغاز و بزودی موج آن به مناطق نفت خیــز گسترش یافت. ۲۵ مهرماه کارگران نفت ایـــران طی اعلامیه‌ای افزون بر خواستهای صنفی ورفاهی که قبلاً در ۲۵ ماده منتشر ساخته بودنـــد، خواستهای سیاسی خود رامطرح کردند.

مجموعه نبرد مردم ایران در آن ایام ســر-نوشت ساز، نبردی حماسه آفرین بود. ولـــــی جنبش اعتصابی پرولتاریا، از کارگران نفت گرفته تا ماشین سازان و تراکتورسازان تبریز و کارکنان راه آهن سراسر ایران، از فلزکاران و نساجـان اصفهان تا معدنچیان زیرآب و شاهی و سرز-چشمه، از کارگران سازمان آب و برق تا کارگــران بنادر و چاپخانه ها توانست ضربه ای مهلك بر رژیم ضد ملی وارد آورد.

۹ آبانماه جریان صدور نفت که یگانه منبـع مالی موجودیت رژیم شاه بود قطع شد و ۳۰ هزار نفتگر ایرانی یکپارچه در اعتصاب همگانی شرکت جستند. در بیانیه کمیته روابط کارکنان اعتصابی صنعت نفت که ۱۶ دیماه ۵۷ در مطبوعات انتشار یافت، کارگران مبارز نفت مسئله سرنگونی رژیـم و استقرار حاکمیت جدید را مطرح و خواست خود را از حاکمیت آینده نیز پیش کشیدند. در بند یك این بیانیه گفته میشد، که "کارگران صنعـت نفت جزء طبقه کارگر ایران بوده و بزرگتریـــن قشرهای پیشرو در مبارزه با استبداد واستعمار میباشد." در بند ۵ بیانیه خاطرنشان میشد که "با توجه به سهم تعیین کننده کارگــــران مخصوصاً کارگران صنعت نفت در جنبش ضـــد استبداد، حکومت آینده موظف به درنظر گرفتـن منافع طبقه کارگر میباشد."

در نشریه سندیکای مشترك کارکنان صنعت نفت ایران (دیماه ۵۷) هدف از اعتصاب کار-کنان نفت چنین تشریح شده بود: "ما اعتصاب کرده‌ایم تا بار دیگر در صفوف ملت مبارز ایـران استبداد را ویران سازیم و نفوذ بیگـانه را در وطن قطع کنیم و ایرانی مستقل، آزاد و مترقی وآباد بوجود آوریم. این حق مسلم و لایـزال ملت ایران است و برای احقاق آن از هیـــــچ فداکاری فروگذار نخواهند کرد."

۲۵ دیماه ۵۷ کارگران کارخانجات بنــز خاور در قطعنامه‌ای خاطرنشان ساختنـــد: "ما همبستگی واتحاد عمیق خود را با کلیـــه طبقات زحمتکش جامعه در راه سرنگونی رژیـــم وابسته به امپریالیسم اعلام کرده ودر راه ایجاد جامعه ای آزاد ودمکراتیك که منافع زحمتکشان را تامین کند مبارزه میکنیم... ما همبستگی خود را با کارگران پیشرو صنعت نفت، ماشیـــن سازی تبریز و سایر کارخانجات اعلام کـــرده و خواسته های آنها را خواستهای خود میدانیم"

آنچه طبقه کارگر ایران را به مبارزه بــی امان علیه رژیم منحط پهلوی سوق میداد، خوا-ست ایجاد تحول بنیادی در جامعه بـــود. از این دیدگاه، پرولتاریای صنعتی مستقـــل از خواست روحانیت عمل میکرد و در جریـــان نهضت اهداف خود را به گردانندگان سیاسی روحانیت تحمیل کرد. بهمین علت بود کـه در راهپیمائی عظیم روزهای تاسوعا وآشورا خوا-ستهای کارگران در قطعنامه به تصویب رسیده گنجانده شد.

این قطعنامه از جمله خواستار تأمیـــن حقوق کارگران ودهقانان وامکان بهره‌وری کامل آنان از محصول کار و دسترنج خویش، ریشه کن کردن هر گونه تبعیض حقوقی و اجتماعی واستثمار انسان بوسیله انسان و زورگوئی ظالمانه طبقاتی و سلطه‌گری اقتصادی شد.

در این قطعنامه ارزش واهمیت فوق‌العاده‌ای به اعتصاب کارگران داده شد، که "ضربـــه مهلکی بر پیکر پوسیده رژیم" وارد آورد.

در دیماه ۱۳۵۷ مهندس بازرگان، که بـــه نمایندگی از طرف روحانیت، برای مذاکره بـــا کارگران اعتصابی نفت (بعنوان یك نیروی مستقل) به آبادان رفته بود، در اجتماع یکصد هزار نفری استادیوم ورزشی آن شهر اعتراف کرد و گفت:

"اعتصاب کارگران نفت برای استبداد آنقدر گران آمد، که عکس‌العمل‌هایش شدت بیشتری یــافت. اکنون سر استبداد وگلوی آن در دست شمــا کارگران وکارکنان نفت است و باید آنرا محکـــم نگهدارید".

خود کارگران نیز طی مبارزه به نیروی لایزال خود پی بردند. کارگران نفت در مصاحبه بـــا خبرنگار هفته‌نامه فرانسوی "اومانیته دیمانـــش" (۲۰ دسامبر ۱۹۷۸) در پاسخ به سئوال در باره دوران بعد از انقلاب و نقش طبقه کارگـــر صریحاً گفتند "ما میدانیم که اعتصاب ماعامـــل قطعی است. ما اقتصاد کشور را در دست داریم" در این مورد آنچه کارگران مجتمع ذوب آهـــن اصفهان در ۲۱ دیماه ۵۷ خطاب به وزیــــــر دادگستری بختیار، نخست وزیر منتخب واشنگتن، در رسانه‌های گروهی انتشار دادند جلب نظـــر میکند. کارگران در این نامه سرگشاده نوشتند: "آقای وزیر ماکشته دادیم تا شما بقدرت رسیدید و میتوانیم باز هم کشته بدهیم تا شما از قـدرت ساقط شوید. ما مبارزه‌ای را که شما در پشت دیوارهای خانه‌تان آرزو میکردید به خیابانهـا کشاندیم و با خون جوانان و حتی کودکان خـود در کوچه و بازار و خیابان شعار استقلال، آزادی سر دادیم".

حقایقی که ما خاطرنشان ساختیم پاســخ دندانشکنی است به مبلغین دو جریان فوق الذکر. ارزیابی از نقش طبقه کارگر، تنها یـــك ارزیابی تاریخی واصولی نیست. رشد سرمایـه-داری بویژه در سه دهه اخیر که با افزایـــش کمی پرولتاریا همراه بود، سیمای جامعه وآرایش

بقیه در صفحه ۶

جبهه متحد خلق ...

بالیستها با استفاده از تشتت و تفرقه در میان گروهها و نیروهای سیاسی و پراکندگی صفوف مبارزان خلق قادر به اجراء نقشههای پلید و تحقق اهداف ضد انقلابی خود خواهند گشت.

مرتجعین، استثمارگران و امپریالیستها با آگاهی کامل از قدرت شگرف و نقش تعیین کننده وحدت خلق، که در وحدت سیاسی سازمانهای انقلابی تجلی میابد به تمام وسایل و طرق ممکنه متوسل میشوند تا از تماس، نزدیکی، تفاهم و هماهنگی احزاب، سازمانها و نیروهای انقلابی و دمکراتیک و ضد امپریالیستی ممانعت بعمل آورند. آنها نیك آگاهند که بدون تأمین یکپارچگی صفوف خلق و بدون وحدت عمل سازمانهای سیاسی، مبارزات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی تودههای زحمتکش میهن ما ثمر مطلوبی ببار نخواهند آورد. دشمن تلاش می ورزد تا به نحوی از انحاء روابط میان احزاب، گروهها و سازمانهای سیاسی انقلابی، دمکراتیك و ضد امپریالیستی را تیره سازد و از یگانگی و همسوئی راه، توان و قدرت انقلابی آنها جلوگیری بعمل آورد. شیوه ایجاد و تشدید تفرقه و تشتت میان خلق و سازمانها و گروههای سیاسی روش همیشگی ارتجاع بوده و هست.

حزب توده ایران در تمام طول تاریخ مبارزات خویش به مقابله با این ترفند امپریالیسم و ایادی داخلی آن برخاسته و تمام مساعی خود را در امر تأمین وحدت جنبش بمثابه یگانه ضامن پیروزی خلق بکار بسته است.

حزب توده ایران در شرایط کنونی نیز بنابر احساس مسئولیت خطیر تاریخی در قبال سرنوشت انقلاب و زحمتکشان جامعه به موضوع تأمین وحدت و یکپارچگی صفوف خلق از طریق تأمین وحدت عمل مشترك میان سازمانها و گروهها و نیروهای انقلابی، خلقی، آزادیخواه و ضد امپریالیستی اهمیت خاص داده و میدهد. بر این اساس است که هیجدهمین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران به امر وحدت نیروهای انقلابی توجه ویژهای مبذول داشت و ضرورت، نقش و چگونگی تحقق آنرا روشن ساخت. حزب ما اعتقاد دارد که در شرایطی که انقلاب بزرگ مردم ایران در اثر خیانت سردمداران جمهوری متوقف مانده است رسالتی بسیار بزرگتر از وحدت سیاسی سازمانهای انقلابی بمنظور تأمین یکپارچگی صفوف خلق و هدایت صحیح مبارزات آنها، بمثابه یگانه ضامن نجات انقلاب متوجه سازمانهای سیاسی انقلابی وجود ندارد. پلنوم هیجدهم کمیته مرکزی حزب توده ایران بعد از خاطر نشان ساختن ضرورت وحدت سازمانهای سیاسی انقلابی راه حل مشخص منطقی، اصولی و عملی را نشان داده است:

"پلنوم برآنست که وجود اختلاف بین نیروهای انقلابی، دمکراتیك و ضد امپریالیستی در عرصه ایدئولوژیك و نیز پیرامون چگونگی تداوم انقلاب و هدفهای دورتر جامعه امریست طبیعی. آنچه حائز اهمیت است وجود نکات مشترك پیرامون هدف عمده مبارزه در مرحله کنونی میان حزب ما و دیگر جریانهای سیاسی انقلابی، دمکراتیك و ضد امپریالیستی است که شرایط عینی برای مذاکره و یافتن زبان مشترك درباره برنامه و مشی سیاسی را بوجود میآورد."

هیجدهمین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران بر پایه همین اعتقاد و با واقع بینی و اصولیت علمی برنامه پیشنهادی خود را در زمینه حقوق و آزادیهای سیاسی، فردی و اجتماعی، سیاست خارجی، اقتصادی، بهبود زندگی و فرهنگ و آموزش و پرورش بعنوان زمینهای برای برنامه مشترك جبهه متحد خلق مطرح ساخته و آمادگی خود را برای بررسی و مطالعه هر گونه پیشنهاد مشابه از جانب دیگر سازمانها، جریانها و نیروهای ملی، مترقی و ضد امپریالیستی اعلام داشته است.

حزب توده ایران با آگاهی کامل از شرایط حساس و بغرنج مرحله کنونی جامعه ایران و برای جلوگیری از تسلط دوباره ستم و استثمار و اسارت امپریالیسم و بمنظور تأمین استقلال، پیشرفت و عدالت اجتماعی از تمام سازمانها، جریانها و گروههای سیاسی انقلابی، آزادیخواه و ضد امپریالیستی، از همه هواداران انقلاب با هر گرایش فکری و مسلکی دعوت بعمل میآورد که در جبهه متحد خلق گرد آیند و با وحدت عمل و مبارزات پیگیر و مشترك خود ـ که یگانه ضامن نجات انقلاب و تنها وثیقه خنثی نمودن توطئه های رنگارنگ امپریالیسم، بزرگ مالکان و کلان سرمایهداران و روحانیون مرتجع ضد ملی و ضد انقلابی است ـ دین تاریخی خود نسبت به خلق و شهیدان خلق را بجا آورند. در پیام پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران به مردم ایران آمده است: "هیجدهمین پلنوم کمیته مرکزی همه نیروهای انقلابی ملی و مترقی و ضد امپریالیستی را برای مبارزه در راه ایرانی آباد، آزاد، مستقل، صلحدوست، مترقی و دمکراتیك، برای عقیم گذاشتن دسایس ضد خلقی ارتجاع حاکم برای ایجاد شرایط مساعد یك تحول مثبت بسود اکثریت محروم جامعه به اتحاد در جبهه متحد خلق دعوت میکند."

اعلامیه ...

ما از روز نخست معتقد بودیم و امروز نیز عقیده راسخ داریم، که اختلافات موجود بین دولتها باید از طریق مذاکرات سیاسی حل و فصل شود. متأسفانه سران ج.ا. تاکنون به فراخوان صلح سازمان ملل متحد، جنبش عدم تعهد، سازمان کنفرانس اسلامی، الجزایر، اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی و نیز شخصیتهای بینالمللی پاسخ منفی دادهاند. و این در شرایطی است، که مبارزه علیه ادامه جنگ روزبروز در کشور ما گسترش می یابد. مردم ایران خواهان صلحاند و بر آنند، که حل نظامی اختلافات بین دو کشور همسایه امکان پذیر نیست. ترك مخاصمه و دستیابی به یك صلح عادلانه و پایدار به نفع خلقهای هر دو کشور، به نفع صلح جهانی و بزیان امپریالیسم است و هر چه زودتر باید عملی گردد. صلح خواست عاجل تودههای میلیونی زحمتکشان است و باید برقرار شود.

کمیته مرکزی حزب توده ایران
۱۴ خرداد ۱۳۶۳

اعتراف موسوی اردبیلی:
فراماسونها و ساواکی ها برمیگردند

"اینها (کلان سرمایهداران و بزرگ مالکان) در سنوات انقلاب در رفته بودند، حالا برگشتند با عوض کردن لباس و تجدید آرایش". "اخیراً کسانی که فراماسون و ساواکی بودهاند، پیدا شدند و ادعای اموال و ثروتهایشان را دارند".

این ادعای ما نیست، بلکه عین اعتراف آقای موسوی اردبیلی است در حضور "امت همیشه در نماز جماعت حاضر". باید پرسید: آیا آقای موسوی اردبیلی، که بعنوان رئیس شورای عالی قضایی و رئیس دیوان کشور، که قاعدتاً می باید پاسدار قانون باشد، از اعتراف به این واقعیت فاجعهبار ذرهای شرم در خود احساس نمی کند؟ آیا دهها هزار مردم انقلابی برای این جان باختند، که کلان سرمایهداران و بزرگ مالکان فراری دوباره برگردند و بار دیگر قدرت اقتصادی ـ سیاسی را از آن خود سازند.

آقای موسوی اردبیلی در سخنرانی پیشگفته خود می افزاید: "باید به شعارها و گفتههایی که از اول انقلاب دادهایم، عمل کنیم". بدین ترتیب صریحاً اقرار می شود، که آقای موسوی اردبیلی و دیگر همتاهایش، تنها برای غصب و تحکیم قدرت و فریب مردم تاکنون شعار توخالی و بی پشتوانه تحویل مردم می دادهاند. با توجه به کارنامه بس منفی سران خیانتکار رژیم جمهوری اسلامی، چه تضمینی وجود دارد، که فردا "نوید" احیای رژیم منحوس سلطنتی را نیز به مردم ندهند. حال که امروز فراماسون ها و ساواکیها باز می گردند، نباید فردا انتظار برگشت "نیم پهلوی" را نیز داشت؟

آری از یکسو کلان سرمایهداران، بزرگ مالکان فراماسونها و ساواکیها و دیگر کارگزاران رژیم استثمار و استبداد باز می گردند و از سوی دیگر هزاران انقلابی، ضد امپریالیستی و هوادار آزادی و عدالت اجتماعی روانه سیاه چالها می شوند، شکنجه می کشند و اعدام می گردند.

شیادان بین المللی در کنگره "ائمه جمعه و جماعات"

روحانیون قشری و مرتجعی که در حقیقت میوه چینان انقلاب ضد سلطنتی، ضد امپریالیستی و خلقی ایران هستند، یکی از هدفهای مهم خود را از همان روزهای نخست "صدور انقلاب اسلامی" معرفی کردند و اکنون مدت پنج سال است، در این راه نامقدس و موهوم، به خیال خود به پیش می‌تازند. بد نام کردن هر چه بیشتر انقلاب، انزوای تقریباً مطلق آن در عرصه بین‌المللی، صرف صدها میلیون دلار برای تبلیغات پوچ، ادامه جنگ خانمان برانداز ایران و عراق – جنگی که به بهای خون صدها هزار ایرانی و عراقی و نابودی صدها شهر و دهکده، آوارگی میلیونها تن و مصائب و خسارات بیشمار دیگر تمام شده است – از جمله محصولات سیاست "صدور انقلاب اسلامی" است. آخوندهای مرتجعی که زمام امور را در تهران بدست گرفته‌اند، یک لحظه فکر نکرده‌اند، که انقلاب، اعم از اسلامی و غیراسلامی، کالا نیست که قابل صدور باشد و یا با اذان و تکبیر و یا نماز جمعه و دعای کمیل نمیتوان آن را در کشورهای دیگر اشاعه داد. با اعزام هیئتهای رنگارنگ به "بلاد کفر"، با تشکیل جلساتی که نه مستمع و نه ناطق یکدیگر را می‌فهمند، با پخش تراکتها و بروشورهائی که فقط نفرت و کراهت ایجاد میکند و با ریش‌گذاشتن و یا ضرب و جرح و قتل دگراندیشان هم نمیتوان به صدور انقلاب توفیق یافت. اگر آنها به راستی علاقمند به اشاعه افکار اسلامی بودند، میبایست در کشور خود نمونه‌ای بوجود می‌آوردند، که برای دیگران و در درجه اول برای کشورهای اسلامی جالب باشد. [illegible] آنها در [illegible] عمل کرده‌اند [illegible] "[illegible] اسلامی" [illegible] دیگر [illegible]

از سیاست صدور انقلاب نه تنها عده‌ای کلاش داخلی، بلکه گروهی از کلاشان بین‌المللی نیز استفاده می‌کنند. اخیراً دومین کنگره "ائمه جمعه و جماعات" در تهران تشکیل شد و عده‌ای میهمان غالباً مجهول الهویه، از جمله عده‌ای ولگرد بین‌المللی که هر روز بر سر سفره‌ای غذا میخورند و آب به آسیاب میزبان تازه‌ای می‌ریزند، به ایران آمدند، در بهترین هتل‌ها پذیرائی شدند، پول جیبی کلانی از صندوق تبلیغات قشریون گرفتند، نطقهای تملق آمیز، نفرت انگیز و سرتا پا دروغ ایراد کردند و به دنبال کار خود شان رفتند، تا کوته بینان دیگری را در یک نقطه دیگر در جهان بجویند و خود را در اختیارشان نهند. روزنامه های تهران در باره این "کنگره" مطالب زیادی نوشتند.

سران درجه اول جمهوری اسلامی، آنهم را پذیرفتند، به آنها نصایح [illegible] کردند. از روال این ملاقاتها و گفتگوها بخوبی آشکار بود که مروجین "صدور انقلاب" تا چه اندازه از مرحله پرت اند و چگونه بازیچه دست کلاشان و مفتخوران بین‌المللی می‌شوند.

سیاست "صدور انقلاب" از روز نخست، یک سیاست بی‌درنما و زیانبخش بود و امروز آثار شوم آن را بخوبی می‌توان دید. عده‌ای از مرتجع‌ترین سرکردگان جمهوری اسلامی اکنون سعی دارند که به این سیاست ابعاد تازه‌ای بدهند. امروز رسماً در ایران، از استقرار یک جمهوری اسلامی، شبیه ایران، در عراق صحبت میشود. همین خواب را عده‌ای دیگر برای افغانستان دمکراتیک دیده‌اند. ارتباطات نهانی جمهوری اسلامی با مهاجرین عراقی و افغانی در ایران، به همین منظور و با همین قصد انجام میشود. بدیهی است جمهوری‌های مسلمان نشین اتحاد شوروی نیز، از نظر بنیادگرایان کوته فکر ایرانی پنهان نمانده است. مدتی پیش یک روزنامه ایرانی از "تسخیر بادکوبه بدست لشکریان اسلام" سخن گفته بود. محسن رضائی فرمانده سپاه پاسداران، در نطقی جنگ با عراق را مقدمه‌ای برای "آزادی کربلا و قدس" اعلام کرد. (پیام انقلاب/ ۲ بهمن ۶۱)

سید هادی خسروشاهی از حوزه علمیه قم در "اطلاعات" (اول خرداد ۶۳) شرح مفصلی، البته با مددگیری از "المجله" چاپ لندن و روزنامه "لوموند"، پیرامون "سیمای اسلام در [illegible]" منتشر ساخت که در آن [illegible] [illegible] "ایران [illegible] [illegible] [illegible] شبیه است [illegible] واقعی [illegible] کسانی را که [illegible] ترهات و اباطیل [illegible] و بد [illegible] زندانی میکنند، شکنجه میدهند و در صورت لزوم به جوخه آتش می‌سپرند. "ائمه جمعه و جماعات" و "علمای بلاد" اعم از داخلی و خارجی، از ریزه خواران این خوان یغما هستند. سران جمهوری اسلامی، تا کنون صدها میلیون در این راه انحرافی صرف کرده‌اند و هنوز ادامه میدهند، بدین ترتیب اسلام را نمیتوان صادر کرد، فقط میتوان آنرا بد نام کرد. بد نام کردن هم نیازی به دعوت کنگره "ائمه جمعه و جماعات" و "علمای بلاد" ندارد، زیرا این کاریست که در سرلوحه اقدامات سران جمهوری اسلامی قرار دارد و به ادامه آن مشغولند. به اقدامات اضافی نیازی نیست.

نقش طبقه کارگر...

طبقاتی را بیش از پیش دگرگون ساخت. رشد کیفی طبقه کارگر علیرغم موانع موجود در این راه و نیز اعتصابهای گسترده کارگران و پیگیری آنان در مبارزه، همه و همه نشانگر سطح عالی پیکارجوئی انقلابی و آگاهی طبقاتی و امکانات انقلابی بسیار گسترده طبقه کارگر ایران است. کارگران با شرکت موثر و فراگیر خود در جنبش انقلابی و طرح خواستهای مشخص ملی و دمکراتیک به ثبوت رساندند، که موثرترین مبارزان راه تحولات بنیادی جامعه هستند.

سیر جنبش انقلابی طبقه کارگر در ایران بار دیگر صحت این اصل لنینی را ثابت می‌کند، که طبقه کارگر در جریان مبارزه سیاسی و اقتصادی خود تنها نقش یکی از طبقات موجود در جامعه بورژوائی را ایفا نمی‌کند، بلکه مهمترین نیروی محرکه هر جنبش انقلابی اصیل دوران ما است. علت این امر بهمانگونه که لنین خاطر نشان می‌سازد آنستکه پرولتاریا از نظر اقتصادی بر نقطه مرکزی همه سیستم اقتصادی نظام سرمایه‌داری و بر سلسله اعصاب آن تسلط دارد. بهمین علت، طبقه کارگر نقش مهمی در سوق جنبش بر راه ملی و دمکراتیک و در پیروزی نهائی آن به عهده دارد. نکته مهم در این میان، تشکل پیشروترین بخشهای کارگران در صفوف حزب خود – حزب توده ایران است.

از اسناد پلنوم هجدهم کمیته مرکزی حزب توده ایران

"[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] سرسخت حاکمیت [illegible] ملی [illegible] ماست. حزب ما در [illegible] حال که انترناسیونالیسم پرولتری را پایه سیاست خود قرار داده است، پیگیرترین و سرسخت‌ترین مدافع استقلال، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی میهن ماست. خصلت انترناسیونالیستی حزب ما نه تنها ناقض میهن پرستی آن نیست، بلکه این دو دارای پیوند دیالکتیکی بوده و مکمل یکدیگرند. اصیل ترین میهن پرستی آن است که برپایه احترام به حقوق تمام خلقها و ملت‌ها استوار باشد. برای اعضاء حزب توده ایران استقلال وطن، آزادی و نجات زحمتکشان از فقر و سیه روزی عالیترین آرمان بوده و خواهد بود و این خصلت عالی بشری اعضاء حزب ما از خصلت انترناسیونالیستی آن نشئت میگیرد."

* * *

"مراعات اصول چهارگانه عدم تمرکز، ترجیح کیفیت بر کمیت، تلفیق کار علنی و مخفی و حفظ اسرار حزبی وظیفه فرد فرد اعضاء حزب توده ایران است."

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

نامهٔ سرگشادهٔ فرزندان توده‌ایهای دربند به مردم آزادیخواه ایران و جهان

خطاب ما به شما مردم آزادیخواه ایران و جهان است، که به حیثیت و شرف انسانی ارج می‌نهید، به شما که از دیرباز خودکامگی را و به همراه آن شیوه‌های غیرانسانی ترور و اختناق فاشیستی را به مثابه اسلوب عمل دولتها محکوم کرده‌اید: ما دست استمداد بسوی شما دراز می‌کنیم.

ما فرزندان زندانیان زنده بگور شدهٔ دولت ج۰ا۰، برای روشن شدن آنچه در دخمه‌های زندان بر پدران و مادران به بند کشیدهٔ ما می‌گذرد از شما یاری می‌طلبیم، ما اعلام میداریم که پدران و مادران ما را فقط به خاطر باورهای سیاسی آنان، بخاطر بینش علمی، به خاطر وفاداری آنان به مبادی و آرمانهای والای انقلابی به خاطر نقش برجسته‌ای که در مبارزه علیه توطئه‌های ضد انقلاب ایفا کرده‌اند، ربوده و در سلول‌های زندان زنده بگور کرده‌اند، آنان به‌تصدیق دوست و دشمن از بهترین کارگران و افسران، از نخبگان علم و فرهنگ و ادب و هنر معاصر میهن ما هستند که ثمره کار پرمایه علمی و فکری‌شان حضور خلاق نسل معاصر ایرانی را در نیمه دوم سده بیستم رقم میزنند.

اکنون ماههاست که از آغاز شبیخون دستگاه ترور و وحشت ج۰ا۰ علیه پدران و نزدیکان ما می‌گذرد. در تمام این مدت رابطه های ربوده شدگان توسط شکارچیان درنده انسانها با دنیای خارج قطع شده است. بیش از یکسال است که ما از سرنوشت آنان و از واقعیت آنچه در دوران سلولهای زندان و در زیر دست جلادان فضیلت و شرف انسانی میگذرد، بی‌خبریم. بین زندان و دنیای خارج دیوار چین کشیده‌اند. اجازه ملاقات به هیچکس داده نمی‌شود. تنها بطور غیر مستقیم و جسته گریخته گاه از زبان دست اندرکاران این شکنجه گاهها خبرهائی هول انگیز شنیده می‌شود.

از بسیاری از زندانیان کوچکترین نشانی نیست. هیچ کس نمی‌داند بر سر آنها چه آمده است و خبر همان است که گاه برخی از مسئولان ج۰ا۰ مأذون به گفتن آن هستند که خود نشانی است از واقعیت های خوف انگیزی که در پشت پرده اظهارات آنها نهفته است.

ما دستگاه حاکمه ایران و دستگاه قضائی ج۰ا۰ را قویاً بخاطر اعمال شیوه های بربرمنشانه متهم می‌کنیم و خواستار آنیم که خبرنگاران بین المللی بتوانند آزادانه به زندانیان دسترسی پیدا کنند.

ما در پیشگاه شما مدافعان شرف انسانی دستگاه قضائی ایران را شدیداً محکوم می‌کنیم که به علت سکوت خود در برابر این جریان های ددمنشانه شریک جرم شکنجه‌اند.

ما اعلام میداریم که تمام تلاش‌خانواده‌های قربانیان برای دیدار عزیزانشان بی نتیجه مانده است. حتی در مواردی که برخی از آنها مصراً خواستار دیدار عزیزان خود شده‌اند، مورد خشم زندانبانان واقع شده و به عنوان تأدیب چند روز یا چند هفته به زندان کشیده شده‌اند. ما فرزندان زندانیان میخواهیم بطور روشن در جریان سرنوشت پدران و مادرانمان قرار گیریم. ما بنام انسانیت و عدالت از شما یاری می‌طلبیم. تنها چیزی که ما میخواهیم اینست که دیوار فولادین موجود بین زنده‌بگور شدگان دخمه های اوین و کسان آنها از میان برداشته شود و وضع آنها با حضور نمایندگان جامعه‌های پزشکی و روانپزشکی و حقوقدانان بین المللی مورد بررسی قرار گیرد. بنام انسانیت صدای ما را بگوش همه انسانهای شریف برسانید. فرزندان توده‌ایهای دربند

کارنامهٔ سیاه دولت

۱۷ آبانماه ۱۳۶۰ دولت آقای موسوی با ۱۱۵ رای موافق زمام امور را بدست گرفت. از آن ایام بیش از ۳۰ ماه میگذرد. عملکرد دولت را در این فاصله زمانی چگونه میتوان ارزیابی کرد؟ دو روز بعد از آغاز کار دولت جدید، روزنامه "اطلاعات" نتایج یك نظرخواهی را پیرامون انتظار مردم از نخست وزیر منتشر کرد. روزنامه نوشت، که اکثریت مصاحبه شوندگان از نخست وزیر پایان پیروزمندانه جنگ، بکار انداختن واحد های صنعتی، از بین بردن بیکاری، ریشه کن کردن نابسامانیهای اقتصادی، دادخواهی "مستضعفین" از "مستکبرین"، امحای گرانی و تورم، بیمه کردن تمام کارگران، روشن شدن تکلیف اصلاحات ارضی، ملی کردن بازرگانی خارجی، اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی، قطع دست واسطه ها و استمرار مبارزه با آمریکا را می‌خواهند.

پس از گذشت ۳۰ ماه هیچ یك از این خواستهای مردم برآورده نشده است. جنگ خانمانسوز همچنان ادامه دارد. کودکان و نوجوانان را گروه گروه به کشتارگاه بنام جبهه جنگ روانه می‌کنند. صفحات جراید خارجی پر از عکسهای کودکان ۱۳ - ۱۷ ساله اسیر و کشته است و رسانه های گروهی ج۰ا۰ بدون ذره ای شرم می‌نویسند که گویا این کودکان "شاد و شیرین و ذکرگویان" داوطلبانه شهید میشوند. ۱۱ اردیبهشت ماه ۶۱ روزنامهٔ "اطلاعات" کشتار دسته جمعی هزاران کودك را چنین تصویر کرد و نوشت: "خرد و بزرگ و شاد و شوخ، سحرگاه و صحرای مین و آنها مثل باغچه های بامدادی چمن، دردمندهای صبح آماده بازشدن و پرپرشدن و پرکشودن، از روی مین ها می‌گذشتند و چشمها دیگر نمی‌دید و گوشها دیگر نمی‌شنید و لحظاتی بعد گرد و غبارکه فرو می‌نشست هیچ نبود جز ارواح مطهر پیشقراولان جان فدا کرده..."

نویسنده این سطور که بوئی از انسانیت نبرده نه تنها شقاوت خود، بلکه سادیسم سران ج۰ا۰ را ترسیم می‌کند. فقط آدمکشان حرفه‌ای می‌توانند این چنین "آرام و خونسرد" کشتار هزاران کودك معصوم را برشته تحریر کشند. او با قساوت فاشیستی به نوشته خود ادامه می‌دهد: "حالا گاه بچه ها پیش از عبور و پای گذاشتن بر مین، پتو بر خویش می پیچند و می‌غلتند تا تکه و پاره های قفس (روح) چندان پراکنده نشوند که نتوان فراهم آورد و یا پشت جبهه انتقال داد."

چنین است سرنوشت وحشتناك دهها هزار کودك و جوان - فرزندان کارگران و دهقانان - در نظام ج۰ا۰ و این فقط گوشه‌ای از عملکرد دولت اسلامی مهندس موسوی در ۳۰ ماه گذشته است. این جنایت هولناك هنوز هم ادامه دارد.

در مورد دیگر مسائل مطروحه در نظرخواهی "اطلاعات" رشتهٔ سخن را به آقای عبدالواحد موسوی نماینده لارستان در مجلس میدهیم. وی در سخنرانی پیش از دستور گفت: "آیا راست است که محتکران و گرانفروشان و سودپرستان از خدا بی خبر با نزدیك شدن به دولت و دستگاههای مسئول صادرات و واردات کشور راه نزدیك رسیدن به ثروت و پایمال نمودن حقوق مصرف کنندگان مستضعف را گرفته‌اند؟.. آیا دولت متوجه این حقیقت هست که عده‌ای معدود، وزارت بازرگانی، اتاق بازرگانی، بنیاد مستضعفان، اتحادیه های مختلف صادرکنندگان، بنیاد مهاجرین جنگی و چندین نهاد و سازمان اقتصادی دیگر را قبضه کرده و امروز بگونه ایست که صادرکنندگان بطور مستقیم و یا غیرمستقیم کنترل و سیاست قیمت گذاری صادرات را بعهده گرفته‌است و واردکنندگان کنترل توزیع و ستاد مبارزه با گرانفروشی را بعهده داشته‌اند؟... آیا صحت دارد که دادگاههای انقلاب و دادگستری با ۱۸۰ درجه چرخش مشغول بازگرداندن اموال طاغوتیان و دزدان بیت المال به آنسان است؟ آیا راست است که فئودالها و سرمایه‌داران توسط بعضی از حکام شرع جان تازه ای گرفته‌اند؟ شاهد مدعا تخلیه یك روستا بنام "کله دار" در منطقه اقلید است... پس از آنکه عده‌ای از کشاورزان مقاومت نمودند آنان را محبوس کردند".

۲۱ اردیبهشت سال جاری آیت‌الله صانعی یکی از مهره های سرشناس رژیم در نماز جمعه قم اعتراف کرد و گفت: "ج۰ا۰ به جان و مال مردم ارج میگذارد و انشاءالله اصل ۴۹ قانون اساسی اجرا و کار دادگاههای انقلاب نیز شروع خواهد شد و اموال غصب شده به صاحبان اصلی آنها بازگردانده خواهد شد."

بقیه در صفحه ۸

۱۱۳ میلیون پرونده برای ۵۶ میلیون انگلیسی

به خلاف جاروجنجال گوشخراش جارچیان سرمایه داری درباره آزادی و دمکراسی دولتهای غربی هرچه بیشتر به پرونده سازی، کنترل هرچه دقیقتر زندگی اجتماعی و خصوصی شهروندان این کشورها و دیگر شیوه های کثیف پلیسی دست می یازند. بدینسان، بار دیگر این حقیقت به ثبوت می رسد، که در جامعه سرمایه داری دولت وسیله ایست در دست استثمارکنندگان برای سرکوب استثمارشوندگان.

روزنامه انگلیسی "آبسرور" چندی پیش گزارش داد، که دو سازمان دولتی مجموعا "۱۱۳ میلیون پرونده برای ۵۶ میلیون انگلیسی درست کرده‌اند. این اطلاعات در ۳۲ سیستم "کامپیوتری" گرد آمده است. مبنای "قانونی" این پرونده سازی درباره زندگی خصوصی مردم لایحه قانونی جدیدی است، که دولت در رابطه با بیمه های اجتماعی به پارلمان برده است.

به نوشته "آبسرور"، با تصویب این لایحه اطلاعات نامبرده بدست پلیس، ماموران گمرک وکارمندان مالیاتی خواهد افتاد و آنها خواهند توانست با دانستن نام خانوادگی شخص مورد نظر به همه اسرار زندگی خصوصی افراد، از جمله مسافرتهای داخل و خارج کشور و حتی مدل تلویزیون او پی ببرند.

"آبسرور" با نقل نمونه ای که در آن اداره بیمه اطلاعات مربوط به زنی را که مدد معاش برای کودکش می گرفت، به پلیس داده بود، یادآور می‌شود، که حتی پیش از تصویب لایحه کذائی، مفاد آن هم اکنون به مقیاس وسیعی اجرا می‌شود.

روزنامه انگلیسی در پایان می‌نویسد:

"اطلاعات گردآمده درباره ساکنان انگلستان در ادارات دولتی بی اندازه زیاد است. کامپیوترهای سازمان بیمه های اجتماعی هرلحظه آماده است، اطلاعات مربوط به ۵۱ میلیون نفر را ارائه دهد. کامپیوترهای پلیس اطلاعات مربوط به ۳۲ میلیون نفر را در حافظه دارند."

اینست معنای دمکراسی در جهان "آزاد" غرب!

ضرورت مبارزه در همهٔ شرایط

مسلم است که سرکوب و تارومار وحشیانهٔ سازمانهای انقلابی، ممنوعیت غیرقانونی احزاب و سازمانها و مطبوعات ضد امپریالیستی و آزادی‌خواه، تجاوز ارگانهای سرکوبگر و اطلاعاتی و محاکم نظامی ویژه علیه حقوق و آزادیهای اجتماعی و سیاسی، سلب آزادی اجتماعات و برخورد ددمنشانه نسبت به هرگونه جریان مخالف با ارتجاع و امپریالیسم، شرایط بسیار دشواری برای فعالیت سیاسی بوجود آورده است. ولی این دشواریها هرقدر سخت، وحشیانه و محدودکننده باشد، باز نمیتوانند طرق مبارزه را سد کند. توسل به ترور و اختناق در مقابله با رزمندگان راه سعادت و آزادی محرومان، نشانه ضعف رژیم است نه قدرت آن.

کمك مالی به حزب تودهٔ ایران یك وظیفهٔ انقلابی است

حساب بانکی ما:

Sweden
Stockholm
Sparbanken Stockholm
N: 040012650
Dr. John Takman

خوانندگان عزیز!
به این نشانی با ما مکاتبه کنید:

P. B. 49034
10028 Stockholm 49
Sweden

NAMEH MARDOM
No. 1
7. JUNE 1984

Price

W. Germany	50 Pf
France	1,50 fr
Austria	4 öS
England	15 p
Italy	300 L.
USA	20 cts

کارنامهٔ ...

منظور آقای صانعی از مردم صاحبان ثروت و سرمایه داران بزرگ فراری هستند، که رژیم در صدد بازپس دادن اموال مصادره شدهٔ آنان است. مردم واقعی به معنای زحمتکشان گروه-گروه به سیاهچالها و یا کشتارگاههای بنام جنگ روانه میشوند.

و اما معاون زراعی وزارت کشاورزی در گفت و گو با "اطلاعات" ضمن بحث پیرامون اصلاحات ارضی بی پرده اظهار داشت: "من فکرنمیکنم مسئله مالکیت به این زودیها حل شود." (اطلاعات ۲۲ اردیبهشت ۶۳).

۳۰ ماه پیش مردم خواهان پایان دادن به تورم لجام گسیخته و گرانی بودند. امروز گرانی بیداد میکند و ارزش افزوده خدمات پیش از ۶۲۰ میلیارد تومان برآورد میشود. سی ماه پیش مردم خواهان بیمه همگانی کارگران بودند ولی امروز نه تنها از بیمه‌های اجتماعی همگانی خبری نیست، بلکه قانون ضد کارگری جدیدی را به کارگران تحمیل می‌کنند. سی ماه پیش مردم استمرار مبارزه با امپریالیسم آمریکا را طلب می‌کردند، ولی آقای هاشمی رفسنجانی در خطبه های نماز جمعه از امپریالیسم آمریکا می‌خواهد تا از جمهوری اسلامی حمایت کند و در مدح و ثنای ناتو داد سخن میدهد.

بیلان کار سی ماهه دولت صحت ارزیابی پلنوم هیجدهم کمیته مرکزی حزب توده ایران را به ثبوت میرساند. در اسناد پلنوم گفته می‌شود: "جلوگیری از تصویب قانون کار و بیمه‌های اجتماعی منطبق با خواست کارگران، رد قانون اصلاحات ارضی، معلق گذاردن قانون ملی شدن بازرگانی خارجی، بازگرداندن کارخانه‌های ملی شده به سرمایه داران، اعلام فروش سهام کارگاههای مصادره شده، بازپس دادن زمینهای تقسیم شده به مالکان..... گسترش همکاری همه جانبه با انحصارهای تك و چند ملیتی و چرخش براست در سیاست خارجی، حاکی از تحکیم روزافزون مواضع نیروهای ارتجاعی و عمال امپریالیسم در حاکمیت است."

رویدادهای کشور نشان میدهد که محافل ارتجاعی و قشری موفق شده‌اند امیال ضد ملی خود را بجامعه تحمیل کنند. ولی قضاوت نهائی از آن مردم است. حکم نهائی را توده های میلیونی زحمتکشان صادر خواهند کرد.

"در شرایط کنونی وظیفه اعضای حزب، تشخیص درست خواستها و مطالبات توده های زحمتکش کارگران، دهقانان و شرکت فعال در مبارزه روزمره برای تشکیل و بهبود شرایط کار و زندگی آنانست. بذرهائی که ما امروز در میان توده‌ها پخش میکنیم، فردا به نیروی مادی عظیمی مبدل خواهد شد و در پیشبرد اهداف انقلاب وتداوم آن یاری خواهد داد."

از اسناد پلنوم هیجدهم
کمیته مرکزی حزب توده ایران

مردم آزادیخواه ایران! برای نجات جان زنده بگوران سلول های زندان اوین و دیگر زندانها، صدای اعتراض خود را بلند کنید!